

موسیقی انقلاب



چگونه

«برخیزید» و «خمینی‌ای امام» را ساختیم

■ سید حمید شاهنریان

برای ساخت سرود «برخیزید» با تعداد نفرات زیاد هیچ بودجه و تدارکاتی نداشتیم تا ملاً به فکر پذیرایی از بچه‌ها باشیم، به همین دلیل ساعت‌های تمرین را طوری تنظیم می‌کردیم که فقط بتوانند بیایند و تمرین کنند و بروند. من هیچ وقت یاد نمی‌آید که به بچه‌ها غذا داده باشیم. فقط یک بار در خانه آقای میناجی (از پایه‌گذاران حسینیه‌ا شاد) غذا داند.

در مدتی که مشغول تمرین با این گروه سرود بودیم، چندین بار باتوق خودمان را تغییر دادیم. ابتدا در منزل خودمان می‌خواندیم، اما مجبور بودیم از این خانه به آن خانه، مدام جابه‌جا شویم. تا احساس می‌کردیم ممکن است شناسایی شده باشیم، فوری می‌رفتم ج‌ای دیگر. تعداد این خانه‌ها زیاد شده بود. بعضی‌ها‌یش در فراموش کرده‌ام. چند سال قبل یک نفر آمد پیش من و گفت شما زمان انقلاب را فراموش کرده‌ام. چند جلسه‌ای هم منزل پدر حاج شیخ حسین انصاریان در خانه ما سرود تمرین کرده‌اید، می‌خواهم این صحنه‌ها را بازسازی کنیم. هر چه نشانی داد یادم نیامد. بالاخره آدرس گرفتیم و با یک گروه رفتیم آنجا. جایی در خیابان معاون‌السلطان بود. اصلاً کوچک و اطرافش یادم نبود. رفتیم داخل خانه. بازهم یادم نیامد. توی اتاق که رفتیم، یکدهم یادم افتاد که ما قبلاً اینجا آمده و تمرین کرده‌ایم. بعضی وقت‌ها کسی که به او اعتماد داشتیم و امنیتی‌ها به او شک نمی‌کردند، جایی را می‌داد و می‌رفتم آنجا تمرین می‌کردیم.

مثلاً در شمال شهر، طبقه چهارم یک خانه در اختیار مان بود. به خانه دیگری هم حوالی خیابان ایران می‌رفتم، نزدیک منزل آقای لاجوردی. صاحبخانه فردی به نام آقای حقیقت‌گو بود. چند جلسه‌ای هم منزل پدر حاج شیخ حسین انصاریان تمرین می‌کردیم. خلاصه یکی دو بار که جایی می‌رفتم و احساس می‌کردیم بویی برده‌اند، آنجا را ترک می‌کردیم و می‌رفتم ج‌ای دیگر. بالاخره هر کسی حاضر نبود که یک گروه شصت‌هفتاد نفری یا سی‌سی چهل نفری را به خانه‌اش راه بدهد. معلوم است که این تعداد اگر بخواهند سرود بخوانند، همه اطراف خیردار می‌شوند. افرادی که این مکان را ایجاد می‌کردند، ایثار می‌کردند و هر خطری را به جان می‌خریدند.



■ **تولد سرود «خمینی‌ای امام» در همسایگی کاخ سعدآباد، این قصه را بخوانید!**

مهم‌ترین سرودی که این بچه‌ها خواندند سرود «خمینی‌ای امام» بود، اما باید بگویم که نسخه اصلی این سرود، به مدتی قبل از تشکیل گروه بزرگ برمی‌گشت. «خمینی‌ای امام» را اولین بار، خودمان با همان گروه سرود پنج‌شش نفره حسینیه خوانده بودیم.

آقای سبزواری دو تا شعر به من داد درباره حضرت امام(ره). اسم امام(ره) هم در یکی از آن شعرها آمده بود. قرار شد برای ساخت سرود روی این شعر‌ها کار کنیم. من این دو تا شعر را از ایشان گرفتم و باهم تلفیق کردیم. بخش‌هایی از یک شعر را روی این یکی شعر گذاشتیم و شد سرود «خمینی‌ای امام».

فکر می‌کنم «ما تو را درود، ما تو را سلام / خمینی‌ای امام، خمینی‌ای امام» را از یک شعرشان برداشتیم و «ای مجاهد، ای مظهر شرف /ای گذشته زجان در ره در هدفت» را از شعر دیگری‌شان. بعد روی این شعر ملودی گذاشته شد.

ملودی اولیه سرود را که ساختم به آقای صبحدل نشانش دادم. آقای صبحدل بعد از اینکه گوش کرد، گفت: «حمید، چرا فرود آمدی؟» منظورش این بود که ترکیب ملودی به جای اینکه صعودی باشد، کمی فرود آمده است. خدار حمتش کند آقای صبحدل را که من مدیونش هستم. این نکته‌سنجی‌اش خیلی هوشمندانه بود. آقای صبحدل با گفتن «چرا فرود می‌آیی؟» می‌خواست یادآوری کند که حسن حماسی سرود باید بیشتر باشد.

دیدم نکته درستی می‌گوید. گفتم درست می‌گویید. رویش کار می‌کنم. فکر هم نمی‌کنم پرده‌ها را بگیرم از غیر از صبحدل کسی شنیده باشد.

بعد از این تذکر تغییری در ملودی دادم تا آن اشکال را رفع کرده باشم. احساسم این بود که این طوری، حماسی‌تر و صعودی‌تر شد. نسخه اولیه را گروه چندنفره خودمان اواسط دی ماه۱۳۵۷ خواند. اعضای این گروه استعداد خواندن داشتند. اصلاً همه‌شان خواننده بودند. بسیاری خواننده بود، صبحدل خواننده بود، صالحی خواننده بود، شریفی‌نیا هم تئاتر کار کرده بود و می‌توانست از صدایش خوب استفاده کند. او سرود را نمی‌خواند و فقط هر بند شعر را در فواصل خواندن سرود دکلمه می‌کرد. خلاصه همه صاحب تجربه بودند. بعد، چهار نفر دیگر (مرحوم ابراهیم اویسی، سید شمس‌الرضا، سید علی‌اکبر، سید علی‌رضا) هم به درخواست مرحوم ایلخانی، رفتیم خانه ایشان تا آخرین تمرین‌ها را آنجا انجام دهیم.

خانه آقای ایلخانی در نزدیکی کاخ سعدآباد بود. قبل از ساعت حکومت‌نظامی رفتیم آنجا. برای پیشگویی از انتشار صدا در اطراف خانه، درها و پنجره‌ها را کامل بستیم و پرده‌ها را کشیدیم. تا صبح مشغول تمرین و ضبط بودیم. صبح که شد، آقای ایلخانی پسرش را فرستاد که نان بگیرد. برگشت و گفت که صدای تان تا سرکوچه می‌آید! نازه متوجه شدیم آن همه استنار و احتیاط، تأثیری نداشته و ما شب تا صبح، در دست در همسایگی کاخ سعدآباد داشتیم «خمینی‌ای امام، خمینی‌ای امام» می‌خواندیم. لطف خدا بود که هیچ کس متوجه صدای ما نشده بود.

نسخه‌ای که با عنوان «خمینی‌ای امام» پشت نوارهای سخنرانی امام(ره) آمد، کار این جمع هفت‌هشت نفره بود. این نسخه در آرشیو تلویزیون هم نیست. احتمالاً در آرشیو شخصی یا در مرکز اسناد انقلاب اسلامی موجود باشد، البته اوایل بهمین، برای استقبال از حضرت امام(ره)، این سرود را با بچه‌های گروه بزرگ تمرین کردیم.»

«**بر گرفته از کتاب «برخیزید»**»

فرهنگی

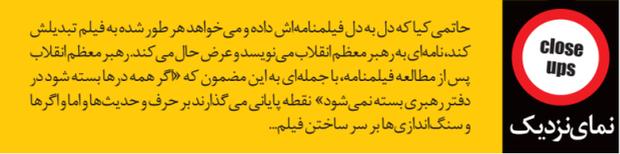
سرویس فرهنگی ۶۰۰۸۸۵۲۳



خاطره‌بازی و بازخوانی ناگفته‌های فیلم «آژانس شیشه‌ای» به بهانه روز جانباز

سینما

ادای دین به عباس‌های زمانه



سیاسی را لحاظ کرده و هر کدام بخشی از بدنه جامعه‌را نمایندگی می‌کنند، از دانشجو و تاجر و حاجی بازاری گرفته تا روشنفکر و معناد و از فرنگ برگشته.

۲۴) تنوع فکری و عقیدتی در رزمندگان سابق فیلم هم عیان است. اصغر (صفر نقی‌زاده) و احمد (قاسم زارع) نمایندگان دو سلیقه و خط فکری متمایز هستند، همچنان که حاج‌کاظم و عباس، البته از حدودی.

۲۵) حاتمی‌کیا با طراحی و خلق کاراکتری در میان مسافران به گروگان گرفته‌شده در آژانس هواپیمایی شبیه عباس کیارستمی، کنایه‌هایی هم به این کارگردان و خط فکری متعلق به او می‌زند. این کاراکتر با بازی مجید منیری همیشه عینک تیره به چشم دارد و برای شرکت در یک جشنواره سینمایی مسافر فرانسه است.

■ خشم نیروی انتظامی از فیلم

۲۶) پس از اکران آژانس شیشه‌ای در جشنواره فجر، نیروی انتظامی می‌رود که از فیلم شکایت کند به اتهام نمایش چهره نامناسب از پلیس از ساخت آژانس شیشه‌ای. سیدنی (معاون

۲۷) یکی از نقاط قوت فیلم، دیالوگ‌های مؤثر فیلمنامه است که برخی از آنها در ادبیات سینمای دفاع مقدس ماندگار شده‌اند، از جمله: «دهمات گذشته مری»؛ «اگه اول سوار شده‌اند اما حاج‌کاظم قصد حرف تو گوش میدهد؟ اینه که برات زور داره. یک دهه حرف زد، هر کاری که خواستی کردی، ما ساکت بودیم، پس زدی، ساکت بودیم، حالا ابدیه بده ما حرف بزیم»؛ «پسرت قرار بود ما را تا آزادی ببرد»؛ «پاش عباس رو خفه می‌کنه» یا «دونی یه گردان بره خط، گروهان برگرده یعنی چی؟ می‌دوننی یه گروهان بره خط، دسته برگرده یعنی چی؟ می‌دوننی یه دسته بره خط، نفر برگرده یعنی چی؟». «۲۸) ۲۲سال پس از ساخت آژانس شیشه‌ای، سکانس‌ای که فضای مجازی دست به دست می‌شود که گویا قرار بوده سکانس ابتدایی باشد اما در نهایت، حذف شده است. در این سکانس، حاج‌کاظم پیکان را از پسرش ابوذر تحویل می‌گیرد. مسافران داخل پیکان به نیت میدان آزادی سوار شده‌اند اما حاج‌کاظم قصد رفتن تا میدان انقلاب را بیشتر ندارد. او در پاسخ به اعتراض یکی از مسافران که می‌گوید: «پسرت قرار بود ما را تا آزادی ببرد»؛ پاسخ می‌دهد: «اون جوون بود، من جون تا آزادی رفتن رو ندارم. توی این دود و دم تا انقلاب بکشم خلیه». علت حذف این سکانس

یحتمل همین دیالوگ چندوجهی و بودار بوده باشد. ۲۹) در فیلمنامه آژانس شیشه‌ای که در قالب کتاب منتشر شده با آنچه روی پرده سینماها رفته، اختلافاتی قابل رؤیت است، به‌خصوص در دیالوگ‌ها. برای مثال، در فیلمنامه منتشرشده در سکانس که بالگرد از راه می‌رسد، می‌خوانیم: سلحشور: هلیکوپتر برای چی آوردی؟ (احمد نامهای اوله‌شده شبیه فکس را در دست سلحشور قرار می‌دهد). سلحشور: بعداً می‌خونم. احمد: همین حالا. سلحشور: این چیه؟ (شروع به خواندن می‌کند. کم‌کم عصبی و اغضب: دست خط افسار!

سلحشور: احمد! من توموش کردم. این غائله ختم شده. احمد: برای تو شاید ولی برای عباس نه. احمد: در سکانس دیگر در درون هواپیما. او در سکانس بعدی (توجه کاظم جلب می‌شود). کاظم: مگه خبر داره؟ احمد: دلخور بودن که چرا پیشش نرفتی. کاظم: در بود، فرصت کم بود. کی می‌رسیم؟ ۳۰) حمید چارکچیان، طراح صحنه و لباس آژانس شیشه‌ای پیشنهاد می‌دهد هنگام فرود آمدن بالگرد، خیابان‌ها خلوت و همه پلیس‌ها رفته باشند تا فیلم شبیه آثار پلیسی نشود. حاتمی‌کیا و کیانیان از این ایده استقبال می‌کنند و اجرا می‌شود.

هنرپیشه‌ها و بازیگردانی را بر عهده بگیرد که به دلیل مشغله‌اش، این مهم به رضا کیانیان واگذار می‌شود. کیانیان یکی از نقش‌های اصلی فیلم (سلحشور) را هم خودش بازی می‌کند.

۱۱) کیانیان در تمرین‌ها و بازخوانی‌ها، بعضی از کلمات و دیالوگ‌ها را تغییر می‌دهد، البته با هماهنگی قبلی با حاتمی‌کیا تا به ترکیبی باورپذیر برسند و از لحن حماسی و شاعرانه ساختگی فاصله گرفته باشند. قبل‌ترش کیانیان از حاتمی‌کیا می‌پرسد اگر در مورد کارگردانی ایده‌ای به ذهنت رسید در جمع بگویدی یا خلوت؟ ابراهیم پاسخ می‌دهد: همان زمان که به ذهنت رسید.

۱۲) در قصه، عباس حیدری و ترنگس همسرش از شهرستان برای مداوا به تهران می‌آیند، از همین‌رو حاتمی‌کیا دوست دارد آنها لهنجا داشته باشند. کیانیان از حبیب رضایی (عباس حیدری) می‌پرسد که کدام لهنجه را می‌پسندد و مسلط است؟ رضایی از پدربزرگ خراسانی‌اش می‌گوید. کیانیان که خودش مشهدی است، استقبال می‌کند و به این ترتیب، عباس و ترنگس می‌شوند مشهدی.

۱۳) کیانیان تمام دیالوگ‌های عباس و ترنگس را روی نوار کاست ضبط می‌کند به لهنجه مشهدی و می‌دهد حبیب رضایی و بیتا بادران (که جنوبی است) تا بشنوند و تمرین کنند. ۱۴) بیتا بادران، بازیگر نقش ترنگس کارآموز کلاس‌های شادروان امین تاریخ است و آژانس شیشه‌ای حکم اولین فیلمش را دارد و در همین گام نخست، سیمرخ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن را از جشنواره فجر صید می‌کند. بادران چند فیلم دیگر هم بازی می‌کند که شاخص‌ترین‌شان «پودن یا نبودن» کیانوش جملهای به این مضمون که «گر همه درها بسته شود در دفتر عبوری بسته نمی‌شود» هم نقطه پایانی می‌گذارد بر حرف و حدیث‌ها و اما و اگرها و سنگ‌اندازی‌ها بر سر ساختن فیلم و هم نظر فانه و حکیمانه

اشاره و رهنمونی می‌دهند برای پایان فیلمنامه. ۴) پایان فیلمنامه تغییر می‌کند و شورش حاج‌کاظم به امید بدل می‌شود. بالگرد جای بنز را می‌گیرد، در آخر قصه و شرایط عبور از بحران فراهم می‌شود، هم برای حاج‌کاظم و عباس (قهرمانان قصه) و هم برای خود فیلمنامه. آژانس شیشه‌ای مجوز ساخت فیلم می‌گیرد.

۵) حاتمی‌کیا آژانس شیشه‌ای را در سکوت خیری می‌سازد، آرام و آهسته. فیلمبرداری فیلم دوم‌هه زمان می‌برد. لوکیشن اصلی هم یک آژانس مسافرتی در حوالی تقاطع بلوار کریم‌خان و خیابان خرمندشمالی. زمان فیلم هم ۱۸ دقیقه.

۶) آژانس شیشه‌ای در سال ۱۳۷۶ و جشنواره شانزدهم فیلم فجر به نمایش درمی‌آید و به معنای واقعی کلمه می‌ترکند.

مخاطبان عام و خاص سینما متحیر می‌مانند از ساخت چنین فیلم جسورانه و جذابی.

۷) فیلم حاتمی‌کیا در جشنواره شانزدهم فجر همه رکورد‌ها را می‌شکند؛ رکوردهایی که همچنان دست‌نخورده باقی مانده‌اند.

آژانس شیشه‌ای در ۱۴ رشته نامزد می‌شود و ۹ سیمرخ بلورین را برای نوازنده و عواملش به ارمان می‌آورد؛ بهترین فیلم، کارگردانی، فیلمنامه، بازیگر نقش اول مرد، بازیگر نقش مکمل مرد، بازیگر نقش مکمل زن، موسیقی متن، تدوین و بهترین‌تر از ۸۸ تماشاگران.

۹) ابتدا قرار است پرویز پرستویی، ایفاگر نقش حاج‌کاظم، تنها بازیگر حرف‌های فیلم باشد و مابقی از بین بازیگران یا چهره‌های کمتر شناخته‌شده انتخاب شوند که نظر تیم سازنده به مرور زمان

۱۰) باز در اوان کار قرار است مرحوم ایتلا پسبانی فرایند انتخاب

سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۳ | ۱۲ شعبان ۱۴۴۶ |



حذف امیلیاپرز از اسکار ۲۰۲۵

کار لا سوفیا گاسکون، بازیگر شخصیت امیلیا پرز در فیلم ساخته ژاک اودر یار به دلیل جنجال‌های اخیر، از حضور در مراسم‌های جوایز اسکار بازماند و نتفلیکس نیز کمپین تبلیغاتی را برای او متوقف کرد.

کار لا سوفیا گاسکون، نامزد اسکار بهترین بازیگر زن برای فیلم «امیلیا پرز» به دلیل جنجال‌های اخیر پیرامون اظهاراتش در شبکه‌اجتماعی ایکس (تویتر سابق)، دیگر، در هیچ یک از رویدادهای مرتبط با جوایز این هفته در ایالات‌متحده شرکت نخواهد کرد.

گاسکون در چند روز اخیر با کشف توییت‌های قدیمی‌اش که در آن از هیتلر دفاع کرد، به مسلمانان، جورج فلوید، مردم چین، همبازنش (سلنا گومز) و برنده اسکار «آفریقایی – کراهی» سال ۲۰۲۱ توهین کرده، در صدر اخبار جای گرفت و مجبور شد عذرخواهی کند. وی طی ۲۴ ساعت، به تنهایی کمپین اسکار «امیلیا پرز» را که از سوی نتفلیکس در حال جلو رفتن بود، نابود کرد. قرار بود گاسکون هفته پیش از اسپانیا به لس آنجلس سفر کند و در چندین مراسم مهم از جمله ناهار جوایز مؤسسه فیلم امریکا (AFI) در هتل فور سیزینز بورلی هیلز به همراه نویسنده-کارگردان فیلم ژاک اودیبار و هم‌بازی‌هایش سلنا گومز و زویی سالدانا حضور یابد. همچنین او قرار بود در شب جمعه هفتم فوریه در مراسم جوایز انتخاب منتقدان (Critics Choice Awards) در روز شنبه هشتم فوریه در جوایز انجمن کارگردانان وانجمن تهیه‌کنندگان آمریکا شرکت کند.

در نهایت، او قرار بود روز یکشنبه ۹ فوریه به سانتا باربارا سفر کند تا یکی از ۹ دریافت‌کننده جایزه ویژه جشنواره فیلم سانتا باربارا باشد، اما به دلیل واکنش‌های گسترده به پست‌های جنجالی‌اش در فضای مجازی که بدون هماهنگی با نتفلیکس (مالک حقوق توزیع فیلم امیلیا پرز در آمریکا کاناوا ری‌تاتیو) منتشر شده بود، برنامه‌های حضور او لغو شده است.

گزارش هالیوود حاکی از تنش‌های شدید میان گاسکون و نتفلیکس است؛ شرکتی که میلیون‌ها دلار برای تبلیغات و کمپین جوایز این فیلم سرمایه‌گذاری کرده است. در حالی که فیلم در تاریخ ۲۳ ژانویه توانست ۱۳ نامزدی اسکار کسب کند و عملکرد درخشانی داشته باشد، این جنجال‌های توهانی به‌موقع آن آسراب‌گسند اکثون ارتباط میان گاسکون و نتفلیکس تنها از طریق نماینده او، جرمی باربر انجام می‌شود. به‌نظر می‌رسد نتفلیکس تمایلی به ارائه خدمات معمولی مانند تأمین حمل‌ونقل و اقامت برای او ندارد. همچنین برخی از افراد حاضر در این رویدادها اعلام کرده‌اند که گاسکون در مراسم شرکت کند، ممکن است حضور خود را لغو کنند تا از بروز موقعیت‌های ناخوشایند جلوگیری شود، با این حال گاسکون

ممکن است در مراسم‌هایی که در نزدیکی محل زندگی‌اش برگزار می‌شوند، مانند جوایز گویا (نسخه اسپانیایی اسکار) حضور یابد. برخی از رفتارهای او در اروپا چندان مشکل‌ساز تلقی نمی‌شود و او می‌تواند بدون نیاز به حمایت‌های خارجی در این مراسم شرکت کند.

در حالی که دور نهایی ر رأی‌گیری اسکار از ۱ فوریه آغاز می‌شود، نتفلیکس در تلاش است سایر نامزدهای فیلم «امیلیا پرز» به ویژه زویی سالدانا (نامزد بهترین بازیگر نقش مکمل زن) را از تأثیرات منفی این ماجرا دور نگه‌دارد. گاسکون از تبلیغات امیلیا و آگهی‌های تبلیغاتی فیلم حذف شده و به زودی تصاویر او از بیلبوردهای تبلیغاتی نیز برداشته خواهد شد. جالب این است که همکاران گاسکون ممکن است آخر هفته جاری در مراسم‌هایی مانند جوایز منتقدان و جوایز انجمن تهیه‌کنندگان حضور یابند و جوایز برتر را دریافت کنند. در این صورت، باید دید آیا به غیبت گاسکون اشاره‌ای خواهند کرد یا خیر.

کار لا سوفیا گاسکون بازیگر اسپانیایی است که به خاطر ایفای نقش در فیلم‌های سینمایی حضور در فیلم «امیلیا پرز» به او اخیراً به دلیل دست یافتن و برای بازی در این فیلم نامزد جایزه اسکار بهترین بازیگر زن شده بود. گاسکون پیش از این در سینمای اسپانیا فعال بود و در پروژه‌های مختلف تلویزیونی و سینمایی ایفای نقش کرده است.

نکته قابل توجه درباره کار لا سوفیا گاسکون، هویت جنسیتی او است. او یک زن تراجنسیتی است و این موضوع نقش مهمی در مسیر حرف‌های و شخصی‌اش داشته است، با این حال در هفته‌های اخیر او در مرکز یک جنجال بزرگ قرار گرفته است.